

درباره فصل ششم پایتخت محبوب ایران

# چرا سریال پایتخت، دیگر رد داده است؟



ایمان عبدلی

همین اول متن، صادقانه می نویسم که اتفاقاً طرفداران پروپاقرص پایتخت هستند و احياناً اگر کار خاصی نداشته باشم، تکرارش را هم می بینم. آدم های پایتخت سال هاست که با ما همنشین شدند و از همین جهت هم هست که تک تک رفتارهایشان برای ما مهم است. واقعیت این است که افول پایتخت از فصل پنجم آغاز شد و همچنان سیر نزولی ادامه دارد، کاری با ایدئولوژی زدگی این مجموعه ندارم و جایش اینجا نیست. فراتر از نیت خوانی های مرسوم و آن مباحث عقیدتی و فکری، پایتخت حالا دیگر مجموعه ای بدون انسجام و مملو از موقعیت های رهاست که نخ تسبیحش گم شده. انگار این موقعیت ها را برای بعدتر دست به دست شدن در اینستاگرام نوشته اند. مخاطب دقیق تر البته از همان قسمت های ابتدایی فصل ششم یادآوری نقش مرحوم خشایار الوند سیگنال خودش را به تیم پایتخت داده بود و حتی منتظر ماند به قسمت های میانی برسیم و البته که بعدتر متوجه شدیم که انتظار برای بهبود کار انتظار بهبودی بوده.

یادداشت

نبرد خیر و شر در قالب یک داستان تخیلی

## دوپینگ؛ علم در چنبره شر مطلق

آبان نامجو

افسار گسیخته دانشمند داستان بهره مند می شود. کامران بیکار است، قرص را می خورد و با قدرت نمایی و به رخ کشیدن زور زیادش، دایی را مجاب می کند که در نیروی انتظامی استخدامش کند. از آن طرف شیوا هم با خوردن قرص، صاحب قدرتی می شود که او را بر همه مسلط می کند، دو گانه دزد و پلیس این گونه ساخته می شود. بعدتر با ورود توران به عنوان نامادری شیوا به عنوان معادلات عوض می شود و او موجودیت شیوا را به یغما می برد. در واقع توران نماد و نشانه سوءاستفاده کنندگان از علم در طول تاریخ است. مثل کسانی که بمب اتم را ساختند و از آن در جهت امیال خودشان استفاده کردند. فاجعه هیروشیما دم دستی ترین و آشناترین مثال از خسارت های ست که سوءاستفاده کنندگان از علم به پیکره تاریخ زده اند. در چنین هندسه ی داستانی، نقشی که شبنم مقدمی آن را ایفا می کند، بی نهایت نقش مهمی است. در واقع در نقشه ی داستان، زکریا، کامران، شیوا و توران نقش های کلیدی دارند. دوپینگ، زکریا را منفعل توران نقش های کلیدی دارند. دوپینگ، زکریا را منفعل و پیکره تاریخ زده اند. در چنین هندسه ی داستانی، نقشی که شبنم مقدمی آن را ایفا می کند، بی نهایت نقش مهمی است. در واقع در نقشه ی داستان، زکریا، کامران، شیوا و توران نقش های کلیدی دارند. دوپینگ، زکریا را منفعل و پیکره تاریخ زده اند.

واقعیت های مجموعه ای از بخش های مجزاست که به قول مهرزاد دانش، منتقد نام آشنای سینما، شبیه به استندآپ کمدی شده، تاکید بر دیالوگ های پر تابی و پینگ پنگی، وام گرفتن از پیش زمینه های ذهنی مخاطب، شیفت فیلمنامه از شخصیت به تیپ و از تیپ به کاریکاتور در نشان دادن آدم های از بزرگترین ضعف های پایتخت است. داستانی که برای رسیدن به نقطه اوج پرنامه ای ندارد و به خوبی توسعه پیدا نکرد. برای این که دقیق تر متوجه بشویم چه بر سر پایتخت محبوبمان آمده، چند مثال ماجرا را روشن تر خواهد کرد. بر گردیم به «پایتخت دو» که خانواده معمولی قصد قشقم کرده بودند. شاید در خشان ترین پایتخت، همان بود. همنشینی تمام اعضای خانواده در کنار هم در وهله اول مفهوم خانواده ای گرم را جلوی چشم مخاطب زنده می کرد. آن خانواده گرم در یک موقعیت اجباری قرار داشتند و مثل خیلی از موقعیت های اجباری اما بعدتر خاطر هانگیز، دانما به مومی رسیدند و امانخ خانواده آن ها پاره نمی شد. مادر نهایت مطمئن بودیم اگر بحثی و جدلی هم در می گیرد، نقی و

رحمت هم چندبار بیان شد و اصلاً آن باز تولید گوگوش و بهروز از جمله سرک کشیدن هابود. فیلمنامه می خواست به سیاست و ناز صیقلی های اجتماعی هم نقی بزند، پس ماجرای نماینده مجلس و رانندگی نقی هم گنجانده شده بود و از قضا کلی هم تیغ سانسور به پیکرش خورد. دور از پیش بینی هم نبود و در چنین فیلمنامه حریصی حتماً فرصت نشده بود که فکر کنند که ظرفیت تلویزیون چقدر است و اصلاً چرا باید وارد فضایی شوند که در آن مجال نیست. فیلمنامه حتی تلاش کرده بود نکبت ورزش و فوتبال را هم نشان دهد اما چیز تازه ای برای عرضه نداشت، چون فرصت کافی نبود و همه ی این پرش های محتوایی و تلاش برای شمولیت، در نهایت اتفاقاً علیه این مجموعه شد.

در ماجرای رجعت به فیلم فارسی خیلی از اصولگرایان و ارزشی ها فریاد زدند که تلویزیون عرصه یادآوری نمادهای فاسد رژیم سابق شده، در ماجرای نماینده و سیاست هم که اصلاً تلاش های تیم سازنده مورد توجه اکثریت مردم قرار نگرفت، چون اساساً هیچ نارضایتی ها دایره گسترده تری از نهاد مجلس را در بر می گیرد و چند دیالوگ در نقد و نكوهش نمایندگان این طبع رادیکال را راضی نمی کند. همین شد که تمام پراکنده گویی های فیلمنامه به مثابه تیغ دولبه ای عمل کرد که خود پایتخت را برید و هم دل دوستدارانش را خون کرد. فقدان تمرکز در داستان گویی، رعایت نکردن قواعد درام، نداشتن نقطه اوج و فرود و البته بافت پراکنده، پایتخت را زمین زد.

حالا از پایتخت عده های هوادار افراطی مانده و عده ای منتقد رادیکال، گروهی تحمل نقد ندارند و هر نقدی را با جملاتی نظیر «تو خوبی» و این ها پاسخ می دهند و عده ای منتقد هم از دوسوی روشنفکری و ارزشی انگاری چوب به میراث یک سریال کم نظیر ایرانی می زنند. به هر حال اگر صداقت و مرام از سطوباً پر خاشگری وی ادبی بهتاش جایگزین شده، اگر ارسطو در

### پایتخت حالاد دیگر مجموعه ای بدون انسجام و مملو از موقعیت های رهاست که نخ تسبیحش گم شده است. انگار این موقعیت ها را برای بعدتر دست به دست شدن در اینستاگرام نوشته اند

یک سال حبس هیچ ملاقاتی ندارد و اگر رحمت به طرفه العینی از فهیمه به دیگری شیفت می کند و اگر هم از یک زن مدرن - سنتی فداکار تبدیل به یک فمینیست خاله زنگ شده، همه و همه تاحدی هم معلول شرایط جامعه است.

در این هشت سسال پایتخت هم مثل زمان و زمانه اش دچار تحولات بسیاری شده و از انصاف خارج است که اگر تاثیر محیط را بر یک محصول هنری نادیده بگیریم. وقتی در چند روز فالوورهای بهرام افشاری به طرز جنون آمیزی رشد می کنند، یعنی آن کارا کتر قدرت همذات پندارانه ی زیادی داشته و حالا این که من و ما، برج عاجی بنشینیم و از بی ادبی اش گلایه کنیم، در ذات اتفاقی نمی افتد مگر این که این بحث تبدیل به یک مساله آسیب شناسانه شود. بحث ناکامی یا موفقیت مجموعه ای با این طیف وسیع مخاطب بحث تک بعدی و ساده ای نیست و وجوه گوناگونی دارد.

در هر صورت آن تاکید اول یادداشت را دوباره یادآوری می کنم که من از بینندگان پایتخت هستم اما آن چه که دوست داریم باید نقد شود تا سریا بماند. نقد شود اما غرض ورزی نشود، یکی نوشته بود محسن تنابنده با محمد امامی همدست است، دیگری نوشته بود او وسط لحاف خوابیده، یکی نوشته بود... این توقع پکی و منز طلبی هایی که از هنرمندان داریم میراث فضای اعتقادی ست. از هنرمند باید توقع محصول هنر مندانه داشت، محصولی ظریف و واجد مولفه های زیبایی شناسانه. نقد پایتخت هم باید معطوف به ظرفیت و زیبایی باشد، غرض و تعصب دوروی خیانت به هر پدیده ای است.

داستان لنگ می زند و باید منتظر اکت های گاه بامزه نیما شعبان نژاد و یا موقعیت های خارق العاده سیطره شیوا و با قدرت نمایی کامران بمانیم. دوستی نوشته بود این اوج قله بازیگری شبنم مقدمی ست و اتفاقاً این سقوط او بود، نه از آن جهت که او نقش آفرینی کم کیفیتی داشته باشد، بیشتر از آن جهت که اساساً نقشی که بر عهده گرفته درست ترسیم نشده و طراحی غلطی دارد. با همه این ها دوپینگ با کمی اغماض یک کار متوسط است که رد پای برز و نیک نژاد در آن به چشم می آید با همان جنس موقعیت سازی های کمیک.



پرداخت کامران و شیوا هم درست عمل کرده، آدم های معمولی با نوسانات رفتاری آشنا. اما طراحی و پرداخت توران ایراد بنیادین دارد، او شر مطلق است و در تمام داستان جولان می دهد، طوری که هیچ کس و هیچ چیز جلودار او نیست. همین سیطره شر مطلق، داستان را از نفس می اندازد و مخاطب در جاهایی میل به همراهی ندارد، چون اساساً توازن میان خیر و شر در چنین داستان های اهمیت کلمدی دارد و بالانس روایت را سیر حال نگه می دارد. وقتی یک طرف ماجرا غلبه کامل داشته باشد،

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷  
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲  
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰  
toseirani.ir

پرده نقره ای

### خروج حاتمی کیا آنلاین اگران می شود



فیلم سینمایی «خروج» تازه ترین اثر ابراهیم حاتمی کیا طی روزهای آتی در سامانه فیلمو و نماو به صورت آنلاین عرضه می شود. باتوجه به شیوع و پروس کرونا و حضور طولانی مدت مردم در خانه ها در چندماه گذشته و آتی، طبق آنچه در کانال این فیلم منتشر شده است، سازمان هنری رسانه ای اوج تصمیم بر نمایش آنلاین فیلم سینمایی «خروج» به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا گرفت. همچنین این تصمیم با موافقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مراجع قانونی نمایش در کشور روبرو شد. تازه ترین اثر ابراهیم حاتمی کیا از اوایل هفته آینده در سامانه های نمایش آنلاین قرار خواهد گرفت و مخاطبان می توانند با خرید قانونی یا خانواده به تماشا این فیلم سینمایی در فیلمو و نماو بنشینند. برای اولین بار است که یک فیلم سینمایی ابتدا بخش آنلاین مجازی و سپس اکران در سینماها را خواهد داشت. فیلم سینمایی «خروج» در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد. «خروج» بیستمین فیلم ابراهیم حاتمی کیا در مقام کارگردان در سینمای ایران است.

### سریال های تلویزیون برای ماه مبارک رمضان

شبکه یک: «زیر خاکی» شبکه یک سیماسال بناست سریال «زیر خاکی» را به روی آنتن ببرد. پیمان جمشیدی، ژاله صامتی و گوهر خیراندیش، از بازیگران اصلی این سریال هستند. شبکه دو: «چشمه مندس» شبکه دو سیمافصل سوم سریال «چشمه مندس» را به روی آنتن خواهد برد. فرهاد قائمیان، ژیا قاسمی، کامران تقی و اتابک نادری و همچنین روزبه حصاری در نقش جوانی جواد جوادی به ایفای نقش پرداختند. شبکه سه: کاندیدایی به نام «هی جان» این سریال مراحل تولید خود را در سکوت خبری طی کرده و هنوز تصویری از کارنیز بیرون نامیده است. بهروز شعبانی و الهام کردا بازیگر اصلی سریال هستند که به جمع بازیگران این سریال پیوستند. شبکه پنج: ادامه «هیاتیر» سریال «هیاتیر» از مدتی پیش روی آنتن شبکه پنج رفت و در نوروز هم ادامه یافت. حالا قرار است در ماه مبارک رمضان نیز ادامه سریال همچنان پخش شود.

### مهر داد اسکویی: مردم در تهران کرونا را جدی نگرفته اند



مهررداد اسکویی مستندساز ایرانی در گفتگو با سایت آمریکایی «الجزیر» از تجربه رویارویی با ویروس کرونا در ایران گفت. به گزارش ایسنا، اسکویی که در روز پیش از اعلام رسمی ورود کرونا به ایران، یک ورک شاپ مستندسازی در شهر قم داشته می گوید که به همین دلیل، چندین روز در قرنطینه بود و هرگز خانه را ترک نکرده است. در بخش هایی از شرح اواز این روزهای مواجهه مردم ایران با ویروس کرونا که در سایت والجر منتشر شده آمده است: «با گسترش ویروس کرونا در ایران و سراسر جهان مردم به داروخانه ها رفتند و ماسک، دستکش، ضد عفونی کننده و الکل خریداری کردند. تحریم ها آمریکا مردم ایران را آماده کرده و بسیاری از قبل مایحتاج چندماه خود را خریداری کرده بودند اما متأسفانه این تحریم خود موجب کمبود برخی داروها و تجهیزات پزشکی در ایران شده و در نتیجه آن چندین نفر از پرستاران و پزشکان بیماران مبتلا به کرونا جان باختند. گرچه سازمان جهانی بهداشت و برخی کشورها کمک ها بشردوستانه خود را اعطاکرده اند اما مشکل همچنان وجود دارد. مهررداد اسکویی همچنین درباره پروژه جدید مستندش در جنوب ایران که پیش از این کار بر روی آن آغاز کرده نیز گفت: بر خلاف مستندهای قبلیام که بیشتر درباره دختران و پسران در کانونهای اصلاح و تربیت است، بخش مهمی از این مستند جدید درباره مردانی است که به جرم قاچاق موخدر به حبس ابد محکوم شده اند.